

## یک سرویس و هزار مسئله!

صحبت کردن در باره‌اش یک‌طوری است که آدم همه‌اش فکر می‌کند نباید این‌ها را بگوید ولی آخر چه کنیم که درگیر یک ماجرای طبیعی هستیم همان‌طور که نسل‌های زیادی درگیرش بوده‌اند و نه خجالت‌دار دو‌نه عجیب است. خیلی‌ها برای استفاده از سرویس‌های بهداشتی عمومی گارد دارند مگر این که مثانه‌شان تهدید کند که تا دو ثانیه دیگر منفجر می‌شود. سرویس بهداشتی خانگی هم در دسرهای خودش را دارد؛ در سرت زمانی که آدم با خیال راحت پاتوی دمپایی سرویس بهداشتی خانه می‌گذارد، دنیاروی سرش آوار می‌شود چرا که پایش در اقیانوسی از آب‌شناور می‌شود؛ این حسی است که می‌توان به‌عنوان چندش‌آورترین حس دنیاتوی ر کوردهای گینس ثبت کرد. هیچ‌کس هیچ‌وقت نخواهد فهمید چرا بعضی‌ها دمپایی را خیس می‌کنند اما شاید داشتن دو جفت دمپایی در سرویس بهداشتی این مشکل را حل کند تا هم آن دوستی که عاشق خیس کردن دمپایی است به مرادش برسد و هم اعصاب دیگران خط‌خطی نشود. هیچ‌کس از سرویس بهداشتی کثیف و بدبو خوشش نمی‌آید؛ پس می‌شود هر بار بعد از استفاده از سرویس بهداشتی با شست‌وشو و استفاده از اسپری‌های خوشبو کننده به نفر بعدی که از آن‌جا استفاده می‌کند، احترام گذاشت. در سرویس‌های بهداشتی عمومی گرچه همیشه یک نفر کار نظافت و رسیدگی به آن‌جا را بر عهده دار دولی این نظافت به معنای این نیست که می‌شود به سرعت برق با داز آن‌جا خارج شد. نه این یک مارتن نیست، هر کسی با صرف ۳۰ ثانیه وقت بعد از اتمام کارش می‌تواند به بهداشت سرویس عمومی کمک کند. فلاش تانک یک زاید‌ه‌یا یک اثر هنری غیر قابل استفاده نیست! برای این است که به شست‌وشوی بهتر کمک کند. فرقی نمی‌کند در سرویس‌خانه یا سرویس عمومی، قفل کردن در هم امنیت کسی را که داخل سرویس است فراهم می‌کند و هم از خجالت زده شدن دیگران که احتمالا با حواس پرتی خواستند در اواز کنند، جلوگیری می‌کند.

گپی با ۳ نوجوان با حال در باره سلب‌ریتی‌های اینستاگرامی

# شاخ‌های همیشه خوشحال

مهسا کسنوی

فقط کافی است گوشی را بردارید و در قسمت جست‌وجوی اینستاگرام چرخی بزنید؛ قطعاً ویدئو یا عکسی از یک شاخ مجازی خواهید دید که مشغول تبلیغ کردن محصولی است یا عکس سفرش به دور دنیا را به اشتراک گذاشته است یا با آب‌وتاب از سبک زندگی ویژه‌اش حرف می‌زند. این سلب‌ریتی‌های جدید که با تبلیغ

منو ببین!

سانیا بحث را شروع می‌کند: «به نظر من این سلب‌ریتی‌ها محتاج توجه و دیده شدن هستند. خیلی‌های‌شان هنر و مهارت خاصی هم ندارند فقط از راه ساده بدون تلاش و فعالیت، در اینستاگرام پولدار شدند. فکر نمی‌کنم در واقعیت انسان‌های موفق و مفیدی برای جامعه باشند». صفورا با سانیا موافق است و می‌گوید: «بله، آدم‌هایی هستند که به توجه نیاز دارند و با استفاده از این ضعف کسب درآمد می‌کنند. برای من خیلی جالب است که از ضعف پول در بیاوری». نظر مبینا با دو دوستش

ما خفن‌ها، شما معمولی‌ها!

شما با دیدن عکس و فیلم شاخ‌های اینستاگرام چه احساسی پیدا می‌کنید؟ صفورا می‌گوید: «خودم را با این افراد مقایسه می‌کنم و خیلی دوست دارم که جای آن‌ها باشم اما معمولاً بلافاصله به خودم می‌گویم من از واقعیت زندگی هیچ‌کس خبر ندارم. شاید این تصویر جذاب، همه چیز زندگی آن‌ها نباشد». مبینا، طور دیگری با این قضیه مواجه می‌شود: «من با دیدن این تصاویر با خودم می‌گویم من هم تلاش می‌کنم و به خواسته‌هایم

ببخشید شما اصلین یا تقلبی؟

صفورا اقبال در حرف‌هایش گفته بود عکس‌های اینستاگرامی لزوماً همه واقعیت زندگی سلب‌ریتی‌ها نیست. در این باره بیشتر حرف می‌زنیم. خودش در ادامه حرف‌های قبلی‌اش می‌گوید: «من نمی‌گویم همه آن عکس‌های شیک و مسافرت‌ها، تقلبی و دروغ است اما قطعاً همه واقعیت هم نیست. بعضی از این افراد فقط دوست دارند جلوی دوربین و در معرض توجه باشند. فقط سر زبان‌ها بودن برای‌شان کافی است و شاید برای این جلب توجه، گاهی تظاهر کنند». سانیا در ادامه حرف‌های صفورا می‌گوید: «زندگی فقط پوشیدن لباس‌های رنگی و مسافرت‌های جور و جور نیست. زندگی پر از لحظه‌های شادی و غم و اتفاق‌های عجیب و غریب است. وقتی کسی فقط

اینستاگرامی‌ها و شهرت یکهوایی

چرا شاخ‌های اینستاگرامی معروف‌اند؟ سانیا و مبینا معتقدند در جامعه درخواست وجود دارد. مبینا توضیح می‌دهد: «این افراد وقتی کمی معروف می‌شوند، مردم به آن‌ها به چشم بازیگرهای سینما و تلویزیون نگاه می‌کنند و دوست دارند در باره زندگی خصوصی آن‌ها اطلاعات کسب کنند. پس مردم هستند که به آن‌ها می‌گویند از خودت بیشتر به ما بگو». سانیا می‌گوید: «به نظر من دنبال کردن سلب‌ریتی‌ها، از روی کنج‌کاوی و بی‌حوصلگی است. گاهی آدم کاری برای انجام دادن ندارد و دلش می‌خواهد راجع به زندگی دیگران بیشتر بداند. من اصلاً در باره زندگی

سلب‌ریتی‌ها کنج‌کاوی نیستم».

بالتازار

## چرا هواپیما در آسمان توقف نمی‌کند تا زمین زیر پایش بچرخد؟

مریم ملی|روزنامه نگار

زمین به دور خودش می‌چرخد. حالا در همین حین اگر هواپیمایی که در هواست متوقف شود، می‌تواند با حرکت زمین به مقصدش برسد و بعد در نقطه‌ای که می‌خواسته فرود بیاید؟ دلیل این که هواپیما نمی‌تواند در حالت ساکن باشد و بگذارد زمین از زیر آن بگذرد، مشابه همان دلیلی است که توپ را هاشده از بالای برجی بلند در پای برج به زمین می‌خورده و نه در فاصله‌ای بیشتر از آن. اگر بخواهید از این قضیه سر در بیاورید باید فرض کنید هواپیمایی روی باند فرودگاهی در استوا توقف کرده است. در ظاهر به نظر می‌رسد که این هواپیما در حالت ساکن قرار دارد اما در واقع با سرعت ۱۶۱۰ کیلومتر در ساعت در حال

وفقاً سلام! این روزها مراقب خودتون هستین؟ لازم نیست نگران بانسین فقط کافیه دست‌هاتون رو مرتب بشوین. مگن روش درست شست‌وشو اینه که ۲۰ ثانیه با مایع یا صابون، پشت و روی دست‌ها رو بشوین و بعد از آب‌کشی، خوب دست‌هاتون رو خشک کنین. این روزها بهتره که غذای بیرون نخورین و یا کسانی که تب دارن و سرماخورده هستن تماس نداشته‌باشین.

روزهای فرد

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹  
شماره تلگرام ۹۳۵۴۹۴۵۷۶  
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۳۴۰۰۰

در اینستاگرام برای خودشان پول و شهرتی به دست آورده‌اند، این روزها حسابی روی بورس‌اند. خیلی‌های‌مان دنبال‌شان می‌کنیم، در باره پست‌ها و استوری‌های‌شان با هم حرف می‌زنیم و گاهی هم ته دل‌مان حسرت زندگی آن‌ها را می‌خوریم. در دوره‌می این هفته با «مبینا پورعباس»، «صفورا زاهدنیا» و «سانیا صادقی» ۱۷ ساله درباره سلب‌ریتی‌های اینستاگرامی گفت و گو کردیم. شما هم به ما بگویید چه احساسی در باره این افراد دارید.

کمی متفاوت است: «من این افراد را به دو دسته تقسیم می‌کنم؛ گروه اول همان‌طور که بچه‌ها اشاره کردند، نیاز به توجه دارند. گروه دوم اما افرادی هستند که جلوی دوربین زندگی می‌کنند و شاید اصلاً قصد جلب توجه نداشته باشند. آن‌ها فقط یک بار عکس و فیلم در اینستاگرام به اشتراک گذاشته و اتفاقی به شهرت رسیده‌اند».

می‌رسم. فکر نکنید دلم نمی‌خواهد مثل آن عکس‌ها شاد و خوشحال باشم. خودم را با آن‌ها مقایسه نمی‌کنم اما با انرژی بیشتری برای آرزوهایم تلاش می‌کنم». سانیا معتقد است: «حس بدی به آدم دست می‌دهد وقتی کلی آدم را می‌شناسی که از صبح تا شب تلاش می‌کنند و خیلی بیشتر از این افراد در س خوانده و زحمت کشیده‌اند اما زندگی‌شان به قشنگی زندگی سلب‌ریتی‌های مجازی نیست. راستش را بخواهید من فکر می‌کنم این موضوع باعث ناامیدی خیلی‌ها می‌شود».

عکس‌های حال خوب و جشن و خوشحالی‌اش را در فضای مجازی می‌گذارد، نشان‌دهنده این است که به ما راست نمی‌گوید». مبینا با بچه‌ها هم‌نظر است. به نظر او، غیر از پست‌های شخصی سلب‌ریتی‌ها، فعالیت‌های تبلیغی‌شان هم یک طرفه و خلاف واقع است: «معمولاً وقتی در صفحه مجازی‌شان محصولی را تبلیغ می‌کنند، فقط از خوبی‌هایش می‌گویند. من شک می‌کنم و فقط وقتی حرف‌شان را باور می‌کنم که هر دو طرف قضیه مطرح شود».



عکس و تصویرسازی: محمد پور، مرادی



آیدو و اجرا: محمد پور، مرادی

آیا می‌دانید آن قدر بر چسب تبلیغ لوله‌باز کنی به در حیات‌ما چسبانده‌اند که گاهی ۱۱۸ هم خودش زنگ می‌زند از ما شماره‌شان را می‌گیرد؟

## مردی که شکنجه را خسته کرد

وی شکنجه و شکنجه‌گر را خسته کرد؛ وی نماد مقاومت در راه رسیدن به هدف است؛ وی سال‌ها رنج را در سخت‌ترین شرایط تحمل کرد اما دوستانش را به ساواک لونداد. وی «عزت‌شاهی» است. در سال ۱۳۲۵ در خوانسار متولد شد. خانواده‌اش فقیر بود. در نوجوانی به تهران آمد و روی پای خودش ایستاد. روحیه حقیقت‌طلب او باعث شد ضمن کار در بازار و شرکت در جلسات مذهبی و سیاسی، فعالیت علیه رژیم پهلوی را شروع کند. با چندین گروه مختلف همکاری داشت و کارهای بزرگی انجام داد تا این که در سال ۵۱ هـ.ق تعقیب و گریزی از سوی ساواک مجروح و دستگیر شد. به‌خاطر گلوله‌هایی که به او شلیک شد تا یک قدمی مرگ رفت و مدت زیادی در بیمارستان بستری بود. شکنجه روحی و بازجویی او در همان بیمارستان شروع شد. تا پیروزی انقلاب در زندان بود و به واسطه اطلاعات مهمی که داشت مورد شدیدترین شکنجه‌ها توسط ساواک قرار گرفت اما حاضر به همکاری نشد. بعدها فامیلش را به مطهری تغییر داد و بعد از انقلاب، جز مدت خیلی کوتاهی هیچ سمت رسمی قبول نکرد. به همت «محسن کاظمی» خاطرات او در کتابی جمع‌آوری شده که اثر بازرشی درباره مبارزان و شیوه سرکوب رژیم پهلوی است. در بخشی از خاطرات او می‌خوانیم: «بعد از ۳۰، ۴۰ ساعت نخواستیدن، چشمانم چنان از شدت بی‌خوابی می‌سوخت که تا مغز استخوانم تیر می‌کشید. آرزو داشتم بی‌هوش شوم ولی نمی‌دانم چرا از هوش نمی‌رفتم؟! چندباری خواب مرا از پا انداخت و مثل تخته سنگی به زمین افتادم ولی نگهبان هر بار به وسیله با شنیدن آب سرد به صورتم و ضربه‌های چک و لگد به زور مرا بیدار نگه می‌داشت.» (شکنجه‌ای که در سازمان سیا به شکنجه سفید معروف است).

## شهر بدون جاده وسط آمازون

اگر از شما بپرسند «آیا شهری را می‌شناسید که هیچ راه زمینی به سمتش وجود نداشته باشد؟» احتمالاً به جزایری اشاره می‌کنید که وسط آب‌ها هستند و دسترسی زمینی به آن‌ها وجود ندارد اما لازم است بدانید شهرهایی هم داریم که با وجود جزیره‌ای نبودن همچنان هیچ جاده‌ای به سمت‌شان نمی‌رود. «ایکیتوس» یک شهر بزرگ جنگلی واقع در کشور پرو است که وسط جنگل آمازون قرار دارد و فقط از دوره می‌توان به آن دسترسی پیدا کرد؛ راه هوایی یا راه‌آبی که از طریق رودخانه بزرگ آمازون امکان‌پذیر می‌شود. این شهر ۴۴۲ هزار نفر جمعیت دارد و تا قرن نوزدهم ناشناخته بوده است تا این که تعدادی از اروپاییان به آن مهاجرت می‌کنند و ترکیب جمعیتی‌اش تغییر می‌کند. البته نبود جاده اطراف این شهر به آن معنا نیست که وسیله نقلیه‌ای در ایکیتوس وجود ندارد. موتورسیکلت‌ها و خودروهای زیادی از طریق هوایی یا آبی به این شهر منتقل شده‌اند و در آن تردد دارند.

## رعدوبرق توپی

تصویر ما از رعدوبرق یک سری اشعه است که در آسمان به صورت شاخه‌شاخه دیده می‌شود اما پدیده عجیبی به نام «رعدوبرق توپی» هم وجود دارد که تا کنون چندبار دیده شده و تعجب خیلی‌ها را برانگیخته است. رعدوبرق توپی، پدیده‌ای است توده‌ای و دایره‌ای شکل به اندازه یک نخود که گاهی اندازه‌اش به کره‌ای با قطر یک متر هم می‌رسد. این رعدوبرق هر کتی سیال دارد تا جایی که برخی آن را هوشمند دانسته‌اند. از این پدیده نادر، چیزی شبیه به انفجار با استشمام بوی گوگرد هم گزارش شده است اما به دلیل این که کم اتفاق می‌افتد اطلاعات بیشتری درباره‌اش نداریم.



با اسکن کردن این کد در گوشی همراه می‌توانید رعدوبرق توپی را ببینید